

بررسی رابطه مخاطره پذیری بانکها، کفایت سرمایه و ترکیب مالکیت

سید مرتضی طباطبایی^۱

محمد رضا عبدلی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۰۴/۰۲

چکیده

در این پژوهش هدف کلی بررسی رابطه مخاطره پذیری بانکها، کفایت سرمایه و ترکیب مالکیت می باشد. میزان مخاطره پذیری مدیران عامل با استفاده از یک پرسشنامه استاندارد طراحی شده بر مبنای مقیاس لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. عملکرد مالی شرکت ها نیز با استفاده از شاخص های بازده مجموع دارایی ها، بازده حقوق صاحبان سهام، رشد فروش و رشد سود خالص اندازه گیری شده است. تمایل به مخاطره پذیری و نحوه نگرش مدیران ارشد به ریسک به عنوان یکی از ویژگی های شخصیتی خاص، تعیین کننده رفتار ریسک پذیرانه و یا گریزانه ایشان به هنگام تصمیم گیری است؛ در چنین موقعیتی به منظور حفظ منافع سپرده گذاران ضوابطی از قبیل نسبت کفایت سرمایه در قانون لحاظ شده است. مطالعه حاضر به بررسی تأثیر کفایت سرمایه بر مخاطره پذیری بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۹۷ و بر اساس داده های مربوط به ۱۳ بانک خصوصی فعال در کشور می پردازد. بدین منظور، از دو شاخص ریسک پذیری شامل شاخص Z-score و شاخص Merton DD استفاده شده است. نتایج به دست آمده از برآورد مدل رگرسیونی به روش داده های تابلویی حاکی از آن است که بین اندازه و ریسک پذیری بانک ها بر اساس شاخص Merton DD رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ همچنین نتایج تحقیق مبین این موضوع است که بین کفایت سرمایه و ریسک پذیری بانک ها بر اساس شاخص Z-score رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی

- کفایت سرمایه، مخاطره پذیری، بانک ها، ترکیب مالکیت بر رفتار
۱. کارشناس ارشد مدیریت صنعتی گرایش مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران. hocom1363@gmail.com
 ۲. دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، ایران. Mra830@yahoo.com

۱. مقدمه

ریسک به معنی احتمال عدم تحقق نتایج مورد انتظار است یا به عبارتی ریسک احتمال محقق نشدن پیش‌بینی‌های آینده تعبیر شده است. ریسک در هر حیطه‌ای قابلیت مطرح شدن دارد که یکی از این حیطه‌ها بانک و فعالیت‌های بانکداری است و بانک‌ها به علت اهمیت به سزایی که در نظام اقتصادی دارند در این زمینه مورد توجه خاص قرار می‌گیرند. دلایل وجود ریسک در بانک را با نوع کارکرد آن می‌توان توجیه کرد، چراکه بانک‌ها از یک سو سرمایه‌های مردم را که در قبال آن مسئولیت دارند جمع‌آوری کرده و از سوی دیگر با استفاده از این سرمایه‌ها اقدام به انجام عملیات بانکی و فعالیت‌های اقتصادی می‌کنند. صنعت بانکداری با توجه به تعداد و تنوع عملیات بانکی و ماهیت‌های متفاوت آن‌ها و محدودیت سرمایه بانک و میزان آن حفظ وضعیت منابع و منافع سپرده‌گذاران و نوع وظیفه بانک‌ها که آن‌ها را متمایز از واحدهای دیگر اقتصادی کرده و تعداد گیرندگان تسهیلات اعتباری و تفاوت وضعیت مالی هر یک از آنان و سروکار داشتن گروه زیادی از کارکنان بانک با منابع مالی و ثبت زیاد عملیات مالی و نقل و انتقال زیاد پول داخلی و خارجی و انواع خدمات بانکی همگی نشان‌دهنده تفاوت ماهیت ریسک‌ها در بانک با سایر مؤسسات مالی هست که پذیرش ریسک را در بانک حساس‌تر، پیچیده‌تر و مشکل‌تر از سایر مراکز می‌نماید (یزدان پناه و شکیب حاجی آقا، ۱۳۸۸).

دو شاخص برای اندازه‌گیری ریسک‌پذیری وجود دارد که عبارت‌اند از: Z-score و Merton DD. شاخص Z-score بر اساس تغییرات بازده دارایی‌ها و شاخص Merton DD بر اساس فاصله تا زمان ورشکستگی تعریف می‌شوند (باگات و همکاران، ۲۰۱۵).

نامزدهای بالقوه برای اندازه‌گیری اندازه شرکت شامل اقدامات مبتنی بر حسابداری مانند کل دارایی‌ها، درآمد کل و اقدامات مبتنی بر بازار مانند بازار سرمایه وجود دارند. باین‌حال، شناسایی اندازه بانک، زمانی که یک موسسه مالی بیش از حد بزرگ، به شکست نزدیک می‌شود به درستی مشخص نیست؛ به‌خصوص در طول دوره‌ای که شامل گسترش و رکود است. مهم‌تر از آن، اگرچه ما شاهد یک ارتباط مثبت بین اندازه شرکت و ریسک‌پذیری هستیم اما این رابطه نه تنها اندازه، بلکه توسط اهرم غیرمنتظره‌ای از سمت بالا از بانک بزرگ‌تر هدایت می‌شود. این نشان می‌دهد که مقرراتی که برای مهار ریسک در شرکت‌های مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد باید در سرمایه مورد نیاز بیشتر متمرکز شود نه به تنهایی در اندازه بانک (همان).

روند شتابان خصوصی‌سازی که این روزها با سرعت بیشتر به سمت رهایی از بندهای مدیریت دولتی پیش می‌رود مسائل جدیدی را فراروی بانک‌ها، ناظران آن‌ها، دولت و سایرین قرار داده است. مسائلی چون ورشکستگی بانک‌ها هم‌اکنون به مقوله‌ای مهم برای فعالان این صنعت تبدیل شده است. در این میان مهم‌ترین عاملی که می‌تواند در مقابل مخاطرات ناشی از ورشکستگی و ناتوانی بانک‌ها مقاومت کند نسبت سرمایه به دارایی‌های بانکی (نسبت کفایت سرمایه)

است. از سوی دیگر بانکها نیز همانند سایر بنگاههای اقتصادی به دنبال کسب حداکثر سود هستند و کیفیت عملکرد آنها بر اساس سودآوری آنها در کنار مدیریت ریسک قابل بررسی خواهد بود. لذا در شرایط فعلی یافتن رابطه بین شاخصهای سلامت و ثبات (کفایت سرمایه) و نیز احتمال ورشکستگی با عملکرد بانکها از دغدغههای فعلی صنعت بانکداری می باشد (خادم، ۱۳۹۱).

از جمله مسائل مهم در صنعت بانکداری، احتمال ورشکستگی و ناتوانی بانکها در انجام تعهدات مالی ایجاد شده است که با شدت گرفتن روند خصوصی سازی و دور شدن نظام بانکی از فضای امن مالکیت دولتی، بانکها را با چالشی بزرگ در زمینه ادامه فعالیت های خود مواجه ساخته است. در این راستا، اولین و مهم ترین عاملی که می تواند بانکها را در مقابل خطرهای ناشی از ورشکستگی و ناتوانی مصون سازد، وجود عامل نسبت کفایت سرمایه به دارایی های بانک است. نسبت کفایت سرمایه حاصل تقسیم سرمایه پایه شامل سرمایه اصلی (سرمایه ثبت شده، سود انباشته، اندوخته قانونی، سهام و سایر اندوخته ها) و سرمایه تکمیلی بر مجموع دارایی های موزون شده به ضرایب ریسک بر حسب درصد است. نسبت کفایت سرمایه یک شاخص کلیدی در تحلیل وضعیت بانک به شمار می رود که با توجه به آن می توان متوجه شد که دارایی های بانک تا چه حد در سبد مناسبی سرمایه گذاری شده و از لحاظ ریسک و به کارگیری سرمایه در دارایی های مختلف از وضعیت مناسبی برخوردار است. هم اکنون، اعمال مدیریت بر روی شاخص مهم نسبت کفایت سرمایه از سوی بانکها جدای از اهمیت ابعاد مقرراتی و احتیاطی، به یکی از شاخص های مهم برای ارزیابی وضعیت مالی بانکها در سطح ملی تبدیل شده و در تنظیم مرادفات بین المللی مؤثر است. از طرف دیگر، برآورده ساختن سود مورد انتظار سهامداران و حفظ قیمت سهام بانکها در بازارهای رقابتی نیازمند نگرش و اقدامات بسیار جدی تری در زمینه حصول شاخص های مطلوب فعالیت است که از آن میان، نسبت کفایت سرمایه از اهمیت به مراتب بیشتری برای سهامداران و سایر سرمایه گذاران بانکی برخوردار است (سپهر دوست و آئینی، ۱۳۹۲).

حاکمیت شرکتی مکانیسم مناسبی برای کنترل ریسک درون بنگاه است. بعد از وقوع بحران مالی اخیر، ناظران بانکی و بانکهای مرکزی بحث کردند که حاکمیت شرکتی ضعیف ممکن است نقش مهمی در افزایش ریسک پذیری نهاد مالی و در نتیجه گسترش بحران مالی داشته باشد. به نظر می رسد در کشورهای در حال توسعه، برقراری حاکمیت شرکتی در بانکها مهم تر از برقراری حاکمیت شرکتی در سایر نهادهای مالی باشد. به دلیل اینکه بخش بانکی در این دسته از کشورها نقش بیشتری نسبت به سایر نهادهای مالی در اقتصاد دارا است. وجود حاکمیت شرکتی ضعیف در بانک باعث کاهش اطمینان در توانایی بانک برای مدیریت دارایی ها و بدهی هایش می شود. مقررات حاکمیت شرکتی در زمینه تجدید ساختار مالکیت بانک، باعث کاهش ریسک سیستماتیک شده و ممکن است با هدف اصلی سهامداران مبنی بر افزایش ارزش سهم متفاوت باشد. یک تضاد منافع درون بانک بین سپرده گذاران و سهامداران وجود دارد. سهامداران می خواهند وارد پروژه های پر ریسک شوند و ارزش سهام خود را در مقابل افزایش هزینه سپرده گذاران افزایش دهند. برای جلوگیری از بحران بانکی و افزایش اعتماد سپرده گذاران و همچنین جلوگیری از ورشکستگی

سیستم بانکی، سپرده‌گذاران کوچک بیمه می‌شوند و بانک‌ها بیشتر نظام‌مند می‌شوند. به نظر می‌رسد اجرای حاکمیت شرکتی در بانک‌ها به بهبود عملکرد بانک کمک نماید، اما برقراری و اجرای حاکمیت شرکتی خوب بدون برقراری مکانیسم کنترل داخلی مناسب نظیر داشتن بخش نظارتی مقتدر و اعمال کنترل توسط هیئت‌مدیره مستقل و سهامداران امکان‌پذیر نیست (تقوی و همکاران، ۱۳۹۲).

دیدگاهی توسط ویشنی و شلیفر^۲ (۱۹۹۷) بیان شده است که تأکید بر نقش مالکیت بانک‌ها در برقراری مقررات حاکمیت شرکتی و بهبود عملکرد بانکی دارد. بر اساس این دیدگاه مالکیت بانک‌ها به سه دسته مالکیت دولتی، مالکیت خصوصی، مالکیت خارجی تقسیم می‌شود. مالکیت خارجی بانک به دنبال حداکثر نمودن سوددهی بانک است تا بتواند در عرصه بین‌المللی به فعالیت خود ادامه دهد. پس رعایت مقررات حاکمیت شرکتی برای آن دارای اهمیت است؛ اما مالکیت دولتی بانک باعث می‌شود که بیشتر فعالیت‌های خود را در راستای اهداف حاکمیت و اهداف سیاسی قرار دهد. مالکیت خصوصی نیز به دنبال جذب مشتریان و افزایش سودآوری بانک هست؛ بنابراین برای آن رضایت مشتریان، سپرده‌گذاران و سهامداران در اولویت قرار دارد که برقراری حاکمیت شرکتی می‌تواند نقش مؤثری در بهبود عملکرد سیستم بانکی داشته باشد (همان).

مالکان نهادی در نظارت شرکت‌ها بر حقوق صاحبان سهام نگهداری شده توسط آن‌ها نقش کلیدی دارند. مالکان (سهامداران) شرکت، حقوق متفاوتی دارند، از جمله این حقوق انتخاب هیئت‌مدیره است که به‌عنوان نماینده برای نظارت بر عملکرد مدیران شرکت فعالیت می‌کنند. از سوی دیگر، سهامداران عمده در انتقال اطلاعات به سایر سهامداران نقش قابل‌ملاحظه‌ای دارند. آن‌ها می‌توانند اطلاعات خصوصی از مدیریت کسب کنند و اطلاعات را به دیگران انتقال دهند. عموماً این‌گونه تصور می‌شود که حضور سرمایه‌گذاران نهادی ممکن است به تغییر رفتار شرکت‌ها منجر شود. این امر از فعالیت‌های نظارتی نشئت می‌گیرد که این سرمایه‌گذاران انجام می‌دهند. سهامداران عمده از اثرگذاری‌شان روی رفتار شرکت به چند طریق استفاده می‌نمایند. آن‌ها ممکن است روی تصمیمات عملیاتی شرکت با استفاده از نظارت بر مدیریت اثر بگذارند و سبب بهبود انتخاب پروژه‌ها و سطح سرمایه‌گذاری و کاهش احتمال تلف شدن منابع شوند. همچنین ماگ^۳ (۱۹۹۸) این‌گونه بیان کرده است که هر چه سطح مالکیت نهادی بیشتر باشد، نظارت بر مدیریت بهتر انجام می‌شود و این ارتباط یک ارتباط مثبت است. بوش^۴ (۱۹۹۸) اظهار داشته است که سرمایه‌گذاران نهادی از طریق جمع‌آوری اطلاعات و قیمت‌گذاری تصمیمات مدیریت به‌طور ضمنی و از طریق اداره نحوه عمل شرکت به‌طور صریح بر شرکت نظارت می‌کنند. یکی از مهم‌ترین ویژگی بازارهای سرمایه نوپا، مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه، وجود سرمایه‌گذاران عمده و تملک بخش اعظمی از حقوق مالکانه شرکت‌ها توسط آن‌ها است (بحرینی، ۱۳۹۱).

2. Shleifer and Vishny

3. Mug

4. Bush

در ادبیات حاکمیت شرکتی سرمایه‌گذاران نهادی به‌عنوان یکی از مکانیزم‌های خارجی مؤثر در نظارت بر شرکت شناخته شده است. این گروه از فعالان بازار سرمایه، با توجه به برخورداری از دانش و تخصص مکفی، دسترسی به کانال‌های ارتباطی مؤثر و انگیزه لازم برای نظارت بر عملکرد مدیریت، مشکلات نمایندگی ناشی از جدایی مالکیت از مدیریت را کاهش می‌دهند و می‌توانند نقش اساسی در ارتقا سیستم حاکمیت شرکتی ایفا کنند (علی نژاد ساروکلای و همکاران، ۱۳۹۱).

سرمایه‌گذاران نهادی، سرمایه‌گذاران بزرگ نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، موسسه‌های بازنشستگی و... هستند. نظارت سهامداران عمده ممکن است تأثیر ویژه‌ای روی جنبه‌های مختلف رفتاری شرکت، مانند سودآوری، عملکرد شرکت، سیاست‌های سرمایه‌گذاری و انتخاب سیاست‌های اجرایی و مالی داشته باشد. در خصوص تأثیرهای مفید سهامداران عمده روی مشکلات مربوط به انتقال نمایندگی بین مالکان و مدیران مطالعات زیادی وجود دارد. در واقع مالکان عمده قادر به کاهش این مشکلات می‌باشند. به علت مقدار سرمایه‌گذاری‌شان آن‌ها دارای انگیزه بهتری برای نظارت بر مدیریت و قدرت بیشتری جهت انجام تصمیمات اثرگذار نسبت به سهامداران جزء و مالکان پراکنده می‌باشند. بر طبق نظر تانگ و نینگ^۵ (۲۰۰۴) سرمایه‌گذاران نهادی متفاوت از سرمایه‌گذاری فردی می‌باشند؛ زیرا آن‌ها در هدایت (نظارت) عملکرد مدیران شرکت، بیشتر فعال می‌باشند و همچنین آن‌ها به خاطر توانایی‌شان در دسترسی به منابع اطلاعاتی مختلف، آگاه‌تر از دیگران می‌باشند. کورو^۶ (۲۰۰۲) اعتقاد داشت وقتی که سهامداران عمده درصد مناسبی از سهام را در اختیار داشته باشند، می‌توانند سیاست‌های خود را به شرکت تحمیل و منافع خصوصی را جذب نمایند. هرگاه حقوق کلیه سهامداران به‌طور یکسان رعایت نشود، تمرکز مالکیت در دست عده‌ای از سهامداران عمده افزایش می‌یابد. لویز و وسینته^۷ (۲۰۱۰) معتقدند که فرصت‌های رشد در توانایی سهامداران عمده برای سلب مالکیت و جوه از سهامداران اقلیت، تأثیرگذار است. مالکیت نهادی می‌تواند مشکلات کارگزاری را به دلیل توانایی برخورداری از مزیت صرفه اقتصادی و تنوع‌بخشی حل و فصل نمایند. لذا به نظر می‌رسد که مالکان نهادی، در مقام سهامداران شرکت‌ها، هم علت و هم چاره یا راه‌حل مشکل نمایندگی را بازنمایی می‌کنند. وجودشان در مقام سهامداران باعث جدایی مالکیت و کنترل می‌شود، در حالی که درگیری فزاینده‌شان در شرکت‌ها و متمرکز کردن مالکیت، راهی برای نظارت بر مدیریت شرکت به دست می‌دهد (مرادزاده فرد و همکاران، ۱۳۹۱).

رقابت‌پذیری یکی از عوامل کلیدی و محرک در هر بنگاه اقتصادی است که در بخش مالی نیز رقابت‌پذیری از بسیاری جهات حائز اهمیت است. رقابت‌پذیری باعث افزایش کارایی تولید و ارائه خدمات بانکی، افزایش کیفیت خدمات و افزایش نوآوری در این نظام خواهد بود. از سویی مطالعات نشان می‌دهد رقابت شدید میان بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری ممکن است منجر به ناپایداری و بحران در بخش اقتصادی و مالی شود. بر اساس تحقیقی که بر بحران

5. Tong & Ning

6. Caervo

7. Lopez & Vecente

اقتصادی سال ۲۰۰۸ در جهان انجام شده است مشخص شد تنها قوانین و قواعد ناکارآمد بانکی منجر به این بحران نشده است بلکه رقابت بی‌حدومرز میان بانک‌ها یکی دیگر از عوامل اصلی این بحران بوده است. این نشان می‌دهد تا زمانی که بازارهای مالی کُشش رقابت را داشته باشند، رقابت میان بانک‌ها مطلوب بوده و منجر به رشد بخش مالی و نهایتاً اقتصاد کشور خواهد شد اما در صورتی که رقابت از ظرفیت بازار فراتر رود، می‌تواند منجر به بحران و عدم پایداری در نظام بانکی و اقتصاد کشور شود. برای سنجش رفتار ریسک‌پذیری بانک‌ها در واقع دو تئوری تمرکز-تثبیت و تمرکز-عدم ثبات وجود دارد. بعضی مطالعات یافتند که رقابت‌پذیری باعث افزایش رفتار ریسک‌پذیری می‌شود و با یک سرمایه‌گذار به صورت تدافعی عمل می‌کنند ولی در تئوری دوم عکس حالت قبل است. در بازار رقابت، سرمایه‌گذاری برای بانک‌های بزرگ، ثبات مالی بیشتری را فراهم می‌آورد چرا که هرچه بزرگ‌تر باشند با آسیب‌پذیری کمتری روبرو خواهند بود. گرچه رقابت‌پذیری در سطح متوسط آن‌قدر برای بانک‌های بزرگ منفعت نخواهد داشت که حتی ممکن است موجبات تضرر در سرمایه را ایجاد کند (رضایی و محمد دوست، ۱۳۹۳).

ادبیات راهبری شرکتی مدت‌ها است که تأثیر بسیاری از مؤلفه‌های آن همچون ساختار و ترکیب هیئت‌مدیره، جلسات هیئت‌مدیره، پاداش، ارزیابی عملکرد، کنترل مدیرعامل و غیره را بر ریسک اختصاصی و در نهایت عملکرد شرکت‌ها شناسایی نموده است. پس از وقوع بحران‌های مالی در دو دهه اخیر، تأکید فراوانی بر نقش هیئت‌مدیره در مدیریت ریسک شرکت شده است. یکی از پیشنهادها کلیدی بررسی واکر^۸ (مرجع راهبری شرکتی صنعت بانکداری انگلستان) تعیین هیئت‌مدیره به‌عنوان مسئول تعیین سطح مناسب ریسک موردپذیرش است. موارد فوق نشان می‌دهند که همسو نمودن منافع و افزایش کنترل، ضمن تأثیر بر سطح پذیرش ریسک، بر عملکرد عملیاتی و ارزش بازار شرکت تأثیر می‌گذارند (مک نالتی و همکاران^۹، ۲۰۱۲).

بنابراین در این تحقیق به دنبال بررسی رابطه مخاطره‌پذیری بانکها، کفایت سرمایه و ترکیب مالکیت هستیم.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بر اساس یک روش نظام‌مند کلیه دارایی‌های بالای خط ترازنامه یک بانک در طبقات مختلفی طبقه‌بندی شده و سپس ۵ وزن به‌عنوان میزان ریسک (شامل ۰، ۱۰، ۲۰، ۵۰ و ۱۰۰ درصد) به هر دسته از دارایی‌ها، اختصاص داده می‌شود به این ترتیب آن‌ها از دسته فاقد ریسک (ریسک صفر درصد) تا ریسک کامل (ریسک صد درصد) طبقه‌بندی می‌شوند. کلیه ارقام دارایی‌های بانک برحسب ضریب ریسکی اندازه‌گیری و متناسب با ضریب ریسکی مربوطه تعدیل می‌گردند و مجموع آن‌ها دارایی‌های موزون شده برحسب ریسک یک بانک را تشکیل می‌دهند (طالب‌لو، ۱۳۹۰).

رویکردی که برای تعهدات خارج از ترازنامه بانک‌ها موافقت شده به‌طور کلی همان ترتیباتی است که در گزارش ۱۹۸۶ کمیته تحت عنوان «ترتیبات نظارتی اقلام خارج از ترازنامه بانک‌ها» ملحوظ شده است. در عمل ریسک اعتباری دارایی‌های

8. Walker Review

9. Mc Nulty et al

در معرض ریسک خارجی از ترازنامه توسط ضرابی که عامل تبدیل اعتباری برای انواع مختلف ابزارها و معاملات خارج از ترازنامه نامیده می‌شود در حساب آورده می‌شود. سپس فاکتورهای تبدیل اعتباری برای احتساب ریسک اعتباری طرف معامله در اوزان کاربردی دسته طرف معامله، مشابه معاملات بالای خط ترازنامه ضرب می‌شود. به این ترتیب مجموع دارایی‌های ریسکی یک بانک از جمع کل دارایی‌ها و تعهدات داخل و خارج از ترازنامه، موزون شده برحسب ریسک، تشکیل می‌شود (پهلوان‌زاده، ۱۳۸۶).

در سال ۱۹۹۶ کمیته بال برای در حساب آوردن تأثیر ریسک‌های ناشی از تغییر نرخ‌های بازار بر روی اوراق بهادار و اقلامی که بانک‌ها با مقاصد تجاری (به قصد انتفاع و یا پوشش سایر دارایی‌های مالی در مقابل خطرهای ناشی از تغییر نرخ‌ها در بازار) در اختیار می‌گیرند، الحاقیه‌ای را معرفی کرد که در چارچوب اصلی بیانیه هیچ تغییری ایجاد نکرد. محاسبه این قبیل ریسک‌ها به عنوان ریسک زیان ناشی از تغییرات قیمت بازار در وضعیت‌های سهام، نرخ ارز، ابزارهای مالی و اقلامی تعریف شده است که بانک‌ها با مقاصد تجاری خرید و فروش می‌کنند (طالب لو، ۱۳۹۰).

عمده‌ترین نارسایی‌ها و کمبودهای مطرح شده در این زمینه به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شود:

- ✓ محدودیت طبقات دارایی‌های ریسکی.
- ✓ محدودیت اوزان ریسکی دارایی‌ها
- ✓ محدودیت کاربرد تکنیک‌های کاهش ریسک اعتباری (عدم احتساب و محدودیت کاربرد وثایق و تضمینات در فرآیند اعتبارسنجی مشتریان بانک‌ها)
- ✓ نادیده گرفتن و اهمیت کم تر سایر ریسک‌های مرتبط با صنعت بانکداری در ضمن بیانیه مانند ریسک‌های بازار و عملیاتی.
- ✓ محدودیت در کاربرد روش‌های مدیریت ریسک توسط بانک‌ها (اداره کل مدیریت ریسک بانک ملی، ۱۳۹۰).

شاپیرو^{۱۰} مهم‌ترین دلایل دومین پیشنهاد کمیته بال در تعیین کفایت سرمایه به شرح زیر می‌باشد.

۱- تغییرات ساختاری در امور اعتباری

سرمایه قانونی مورد نیاز می‌باید منعکس کننده توان رقابتی فزاینده بانک‌ها در امور اعتباری باشد؛ خصوصاً این که سرمایه تنظیمی باید قادر به برقراری پوشش کامل زیان ناشی از ریسک برای ابزارهای جدید اعتباری که از ریسک بالاتری برخوردارند مثل ابزارهای مشتق اعتباری باشد. امروزه تغییرات سریع در امور اعتباری در عین تشدید رقابت، ریسک فعالیت‌های اقتصادی بانک‌ها مؤسسات اعتباری را نیز افزایش داده است؛ بنابراین برقراری ارتباط صحیح بین ریسک کسب و کار بانک و سرمایه مورد نیاز برای پوشش ریسک یک ضرورت محسوب می‌شود.

۲- فرصت‌های حذف ناکارآمدی در امر وام‌دهی و اعتبارات در مقابل صنعت بیمه که از بازارهای مشتق و شرکت‌های بیمه اتکایی برای انتقال ریسک استفاده می‌نمایند. غالباً فعالیت صنعت بانکداری بر مبنای رویکرد پذیرش و نگاهداری ریسک می‌باشد و در این رویکرد بانک‌ها کاملاً ریسک اعتباری را جذب می‌نمایند با توجه به این رویکرد وجود سرمایه

مورد نیاز برای پوشش کامل ریسک برای جلوگیری از ورشکستگی بانک‌ها در وضعیت‌های بحرانی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

۳- افزایش سطح بدهی‌های شرکت‌ها و افزایش ریسک درماندگی مالی آن‌ها طی دهه گذشته. طی دهه گذشته نسبت بدهی اکثر شرکت‌های تجاری که متقاضی وام بانک‌های تجاری بوده‌اند افزایش چشم‌گیری داشته است. برای مثال در سال ۱۹۹۹ نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام شرکت‌هایی که بر مبنای آن‌ها شاخص استاندارد و پورز^{۱۱} محاسبه می‌شود به ۱۱۶ درصد رسیده است. در حالی که همین نسبت در سال ۱۹۹۰ به میزان ۸۴ درصد بوده است. با توجه به افزایش ریسک مالی شرکت‌های درخواست‌کننده وام بانک‌ها می‌بایست در ارزیابی سطح ریسک مشتریان و برآورد سرمایه اقتصادی مورد نیاز برای پوشش و ریسک حساسیت بیشتری داشته باشند. عوامل مذکور از جمله مهم‌ترین محرک‌های برانگیزاننده کمیته بال برای ارائه پیشنهاد جدید تعیین کفایت سرمایه بر مبنای ریسک اعتباری، بازار و عملیاتی بانک‌ها بوده است (فلاح شمس و عباس زاده، ۱۳۸۷).

بال دو شامل ۳ رکن است؛ که رکن اول آن مربوط به کفایت سرمایه است. علی‌رغم پیچیده بودن بیانیه دوم در این بیانیه همانند بیانیه اول در ابتدا به تعاریف سرمایه بانک و حداقل آن پرداخت شده است و سپس به روش‌های مختلف اندازه‌گیری ریسک‌های مربوط به پرداخت شده است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

ساختار سرمایه: سرمایه مقرراتی برای تجزیه و تحلیل چهارچوب مقررات سرمایه بانک به کار گرفته می‌شود. این مفهوم طی بیانیه‌هایی از سوی کمیته بال در زمینه کفایت سرمایه بانک‌ها ارائه شده است. سرمایه مقرراتی عبارت است از مقدار سرمایه‌ای که بانک‌ها برای پوشش ریسک‌های مورد انتظار عملیات مرتبط با سرمایه‌گذاری در دارایی ریسکی خود به آن نیاز خواهند داشت. به طور خلاصه سرمایه مقرراتی به دو گروه سرمایه اصلی و سرمایه تکمیلی تقسیم می‌شود. سرمایه اصلی شامل موارد زیر است:

الف) سرمایه سهامی

ب) ذخایر افشاشده حاصل شده از سودهای انباشته پس از کسر مالیات

ج) سهام ترجیحی غیر تجمعی

د) سایر ابزارهای سهامی ترکیبی منهای سرفلی و سایر کسر کردنی‌ها.

سرمایه تکمیلی که با صلاحدید مقام نظارتی پذیرفته می‌شود نیز شامل موارد زیر است:

۱- ذخایر افشاشده نشده (که به دلایل مختلف در گزارش‌های سالیانه بانک ذکر نمی‌شود ولی از سوی مقامات نظارتی پذیرفته می‌شود)

۲- ذخایر تجدید ارزیابی شده (با تنزیل ۵۵٪ مثل سهام یا دارایی‌هایی که ارزش آن‌ها تغییر می‌کند)

۳- ذخایر عمومی (در مقابل زیان‌های احتمالی)

۴- ابزارهای بدهی چندمنظوره (با ویژگی سرمایه و برخی از خصوصیات بدهی) اوراق قرضه قابل انتقال سهام ترجیحی انباشته

۵- بدهی فراملی بلندمدت. همچنین سرففلی و سرمایه گذاری بانک در شرکت های تابعه به عنوان کسور از سرمایه در نظر گرفته می شود (طالب لو، ۱۳۹۰).

دستورالعمل پیشنهادی کمیته بال ۲ در واقع یک پارادایم تکاملی سه مرحله ای را دنبال می کند و بانک ها می توانند از بین آن ها یکی را برای تعیین سرمایه اقتصادی خود مورداستفاده قرار دهند. مراحل تکاملی تعیین سرمایه اقتصادی بانک ها در این دستورالعمل عبارت اند از:

- مدل پایه ای استاندارد
- مدل مبتنی بر رتبه بندی داخلی
- مدل مبتنی بر رتبه بندی داخلی پیشرفته

مدل پایه ای استاندارد اولین مدل پیشنهادی برای تعیین کفایت سرمایه می باشد. در این مدل بر مبنای رتبه بندی خارجی ریسک (رتبه های تعیین شده از سوی مؤسسات رتبه بندی از قبیل مودیز و استاندارد اند پور^{۱۲}) وزن ریسک هر یک از دارایی ها در پرتفوی اعتباری تعیین می شود و سپس بر اساس وزن تعیین شده سهم سرمایه اقتصادی مورد نیاز برای پوشش ریسک برآورد می شود. دو مدل دیگر، نیازمند این است که بانک از سیستم رتبه بندی مناسبی برای مشتریان خود برخوردار باشد. وزن ریسک هر یک از راه های تجاری و تعهدات مشتریان بر مبنای رتبه تخصیص یافته به آن ها تعیین می شود. شرکتی که رتبه اعتباری بالاتری را اخذ نماید از وضعیت اعتباری مناسب تری برخوردار بوده و در نتیجه وزن ریسک و ام های اعطای آن ها کم تر خواهد بود و برعکس ام های شرکت هایی که رتبه اعتباری آن ها پایین تر است وزن ریسک بالاتر را متحمل خواهند شد. هرچقدر وزن ریسک یک وام بالاتر باشد، نسبت کفایت سرمایه آن ها نیز بیشتر خواهد بود به عبارت دیگر به سرمایه بیشتری برای پوشش ریسک نیاز خواهد داشت (همان).

اجرای این رویه در بانک ها انگیزه اعمال آربیتراژ^{۱۳} سرمایه قانونی را از بین خواهد برد. چراکه بانک ها با انتقال وام ها و ابزارهای اعتباری پر ریسک تر به جای کم ریسک تر مجبور به افزایش سرمایه خود خواهند بود. بر اساس پیشنهاد کمیته بال، با انتخاب هر یک از این سه مدل به طور کلی کفایت سرمایه بانک طبق روش زیر محاسبه خواهد شد:

در این فرمول سرمایه مورد نیاز برای ریسک اعتباری و بازار بستگی به این دارد که بانک از کدام رویکرد، ریسک بازار و اعتباری مشتریان و وزن ریسک وام ها را برآورد نمایند. از جمله رویکردهای مورداستفاده برای سنجش ریسک اعتباری و بازار می توان به رویکرد پایه ای استاندارد و مدل داخلی (از قبیل مدل شبیه سازی مونت کارلو^{۱۴} و شبیه سازی تاریخی^{۱۵})

12. Moody's and Standard & Poor
13. Arbitrage
14. Monte Carlo method
15. Monte Carlo method

اشاره نمود. سرمایه موردنیاز برای ریسک عملیاتی نیز بستگی به روش مورد استفاده بانک خواهد داشت. از جمله رویکردهای مورد استفاده برای تعیین سرمایه موردنیاز ریسک عملیاتی می‌توان به رویکرد استاندارد شده رویکرد اندازه‌گیری پیشرفته و رویکرد شاخص پایه‌ای اشاره نمود. اگرچه در پیشنهاد دوم کمیته بال نیز مانند دستورالعمل قبلی، میزان کفایت سرمایه بانک‌ها ۸ درصد دارایی‌های ریسکی بیان شده، ولی در این بیانیه علاوه بر ریسک اعتباری، ریسک عملیاتی دارایی‌ها نیز در تعیین سرمایه موردنیاز لحاظ شده است. همچنین رویکردهای دقیق‌تری برای تعیین وزن ریسک دارایی‌ها پیشنهاد شده است. در دومین بیانیه پیشنهادی، هم زیان‌های مورد انتظار و هم زیان‌های غیرمنتظره در برآورد سرمایه اقتصادی موردنیاز لحاظ شده است؛ بنابراین ذخیره زیان و ام‌ها، به‌عنوان جزئی از سرمایه اقتصادی بانک مورد توجه قرار می‌گیرد. از آنجایی که در برآورد سرمایه اقتصادی پیشنهاد کمیته بال زیان‌های منتظره و غیرمنتظره مورد توجه قرار می‌گیرد سرمایه قانونی قادر به پوشش ناشی عدم بازپرداخت و ام‌ها و کاهش ارزش بازاری ابزارهای اعتباری بانک‌ها خواهد بود (همان).

تحقیقات داخلی

صمدیان باروق (۱۳۹۷) در تحقیقی که باهدف بررسی تأثیر مالکیت نهادی بر ریسک‌پذیری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته است به این موضوع پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و از نظر زمانی شامل ۶ سال از ابتدای دوره مالی سال ۱۳۸۸ تا ۲۹ اسفند سال ۱۳۹۳ است. نمونه آماری به حجم ۸۸ شرکت در این تحقیق از بین شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران انتخاب و اطلاعات آن‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و آماره آزمون T و ضریب رگرسیون مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان داد که بین مالکیت نهادی و ریسک‌پذیری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

رضایی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر کیفیت دارایی‌ها در ریسک‌پذیری بانک‌های فعال در صنعت بانکداری ایران پرداختند. در این پژوهش تأثیر شاخص کیفیت دارایی‌ها در ریسک‌پذیری بانک‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه بانک‌های خصوصی و دولتی بود. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه بانک‌های خصوصی و دولتی می‌باشد که از کل جامعه آماری تعداد بیست بانک به عنوان نمونه تحقیق طی سال‌های ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به مقطع و زمانی بودن داده‌های تحقیق، با استفاده از تحلیل رگرسیون ترکیبی تأثیر چهار شاخص کیفیت دارایی‌ها، اتکای بر بدهی‌ها، اندازه بانک (لگاریتم دارایی‌ها) و وجوه نقد حاصل از عملیات و ریسک‌پذیری مورد آزمون قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق و با استفاده از نرم‌افزار Eviews انجام گرفته و بر اساس قاعده‌های آن تصمیم‌گیری شده است. بر طبق نتایج حاصل از آزمون تحلیل رگرسیون وجود تصویر معکوس و معنادار از کیفیت دارایی‌ها به ریسک‌پذیری در صنعت بانکداری ایران پذیرفته شده است. تأثیر اتکای بر بدهی‌ها به ریسک‌پذیری در صنعت بانکداری ایران معنی‌دار و مستقیم است. وجود تأثیر معنادار و معکوس از اندازه بانک (لگاریتم

دارایی‌ها) بر ریسک‌پذیری در صنعت بانکداری ایران نیز پذیرفته شده است؛ اما بر اساس نتایج حاصل از مدل رگرسیون ترکیبی وجوه نقد حاصل از عملیات و ریسک‌پذیری در صنعت بانکداری ایران تأثیر ندارد. همچنین نتایج حاصل از آزمون‌های مقایسه میان این‌ها نشان داده است که میانگین رتبه متغیرهای موردبررسی در سال‌های مورد مطالعه تفاوت معناداری ندارند. برابر بودن میانگین کیفیت دارایی‌ها در بین دو گروه بانک‌های دولتی و خصوصی رد شده و بزرگ بودن میانگین متغیر در بانک‌های دولتی پذیرفته شده است. همچنین برابر بودن میانگین سه شاخص اتکای بر بدهی‌ها، اندازه بانک و جریان وجه نقد در بین دو گروه بانک رد شده و بزرگ بودن میانگین این متغیرها در بانک‌های دولتی پذیرفته شده است. در نهایت برابر بودن میانگین ریسک‌پذیری در بین دو گروه بانک دولتی و خصوصی رد نشده است.

زمان نژاد و همکاران (۱۳۹۵) در این پژوهش به بررسی تأثیر تنوع مالکیت سهامداران بر ریسک‌پذیری بانک‌های خصوصی کشور طی دوره زمانی ۷ ساله از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ پرداخته شده است. متغیر وابسته تحقیق، ریسک‌پذیری، با استفاده از شاخص Z-SCORE؛ و متغیر مستقل، تنوع مالکیت سهامداران، با استفاده از معیار هرفیندال محاسبه گردیده است. همچنین متغیرهای اندازه بانک، خالص حاشیه سود بهره‌ای، نسبت فعالیت‌های بهره‌ای، نسبت کفایت سرمایه و ذخیره مطالبات معوق به‌عنوان متغیرهای کنترلی پژوهش در نظر گرفته شده‌اند. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که تأثیر تنوع مالکیت سهامداران بر ریسک‌پذیری بانک‌های خصوصی مستقیم و معنی‌دار است. همچنین از میان متغیرهای کنترلی، اندازه بانک، تأثیر مستقیم و معنی‌دار؛ و نسبت کفایت سرمایه و ذخیره مطالبات معوق تأثیر معکوس و معنی‌دار بر ریسک‌پذیری بانک‌های خصوصی دارند. تأثیر متغیرهای خالص حاشیه سود بهره‌ای و نسبت فعالیت‌های بهره‌ای بر ریسک‌پذیری بانک‌های خصوصی معنی‌دار مشاهده نشده است.

تحقیقات خارجی

دائو و انکنبرند^{۱۶} (۲۰۱۴) در تحقیقی تحت عنوان "کفایت سرمایه و ریسک بانک - مطالعه تجربی در بانک‌های ویتنام" به بررسی کفایت سرمایه با ریسک بانک‌ها با استفاده از شاخص Z-SCORE پرداختند. آن‌ها در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که نسبت کفایت سرمایه با ریسک بانک دارای رابطه مثبت و معناداری می‌باشد.

چان و همکاران^{۱۷} (۲۰۱۱) تأثیر مالکیت مدیریتی بر رفتار ریسک‌پذیری بانک‌های کره و ژاپن را طی دوره نسبتاً منظم از اواخر ۱۹۹۰ تا اوایل ۲۰۰۰ تحلیل کردند و به این نتیجه دست یافتند که مالکیت مدیریتی به‌تنهایی بر ریسک یا سطوح سود بانک‌های کره‌ای تأثیر ندارد، در مقابل افزایش مالکیت مدیریتی ریسک بانک‌های ژاپنی را افزایش می‌دهد. همچنین نتایج نقش منفی ارزش بانک را روی رفتار ریسک‌پذیری تأیید می‌کند. علاوه بر این نتایج نشان داد در بانک‌های کره متغیرهای کنترلی سهم مالکان از کل دارایی‌ها و اندازه بانک بر ریسک‌پذیری تأثیری نداشته و نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌های بانک اثر مثبتی بر ریسک‌پذیری داشتند، در حالی که در بانک‌های ژاپنی نسبت دارایی‌های ثابت به کل

16. Dao and Ankenbrand

17. Chan et al

دارایی‌ها بر ریسک‌پذیری اثری نداشته و اندازه بانک اثر مثبت معنادار و سهم مالکان از کل دارایی‌ها اثر منفی معناداری را بر ریسک‌پذیری داشتند.

برگر و همکاران (۲۰۰۸) در بررسی ۸۲۳۵ بانک ۲۳ کشور توسعه یافته دریافتند که افزایش قدرت بازاری بانک‌ها کیفیت سبد تسهیلات آن‌ها را بهبود بخشیده و مطالبات معوق آن‌ها را می‌کاهد. البته آن‌ها در خود مطرح نمودند که درست است که با افزایش رقابت ریسک نکول وام‌ها افزوده شده است، اما این بانک‌ها در مجموع از ثبات بهتری برخوردارند. آن‌ها دلیل این امر را افزایش ذخایر بانک‌ها و استفاده از تکنیک‌های تعدیل ریسک دانسته‌اند.

گونزالز^{۱۸} (۲۰۰۵) به تحلیل تأثیر قوانین بانک بر ارزش بانک و ریسک‌پذیری پرداخت. نتایج وی نشان داد که محدودیت‌های نظارتی، انگیزه ریسک‌پذیری بانک‌ها را از طریق کاهش ارزش آن‌ها افزایش می‌دهد. همچنین نتایج نشان داد متغیر کنترلی اندازه بانک و نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها تأثیر معنادار مثبت و نسبت سرمایه‌گذاری به کل دارایی‌ها اثر روشنی بر ریسک‌پذیری بانک ندارد.

۳. فرضیه‌های پژوهش

بین ترکیب مالکیت و کفایت سرمایه با مخاطره‌پذیری بانک‌ها رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

۱. بین ترکیب مالکیت و مخاطره‌پذیری بانک‌ها بر اساس شاخص Z-score رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
۲. بین کفایت سرمایه و مخاطره‌پذیری بانک‌ها بر اساس شاخص Z-score رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
۳. بین ترکیب مالکیت و مخاطره‌پذیری بانک‌ها بر اساس شاخص DD Merton رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
۴. بین کفایت سرمایه و مخاطره‌پذیری بانک‌ها بر اساس شاخص DD Merton رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از دید ماهیت توصیفی و از نوع همبستگی است؛ زیرا از یک طرف وضع موجود را بررسی می‌کند و از طرف دیگر رابطه بین متغیرهای مختلف را با استفاده از تحلیل رگرسیون کشف یا تعیین می‌کند. همچنین از نظر هدف، نوع پژوهش کاربردی است. نظر به این که داده‌های مورد استفاده اطلاعات واقعی و تاریخی است روش‌شناسی پژوهش از نوع پس‌رویدادی است.

۵. جامعه و نمونه آماری و دوره زمانی پژوهش

هدف از انجام هر پژوهش، شناخت و پیش‌بینی یک پدیده، در یک جامعه آماری است. برای به دست آوردن شناخت از آن پدیده، نمونه‌ای از آن جامعه انتخاب می‌شود و تجزیه و تحلیل‌ها بر روی آن نمونه منتخب انجام می‌گیرد و سپس نتایج به کل جامعه آماری تعمیم داده می‌شود (افلاطونی، ۱۳۹۲).

جامعه‌ی آماری یعنی کلیه‌ی افراد، پدیده‌ها، اشیا یا مکان‌هایی که دارای حداقل یک صفت مشترک بوده و محقق در پژوهش خود به دنبال بررسی و مطالعه‌ی متغیرها در آن محدوده است. این تعریف باید چنان بیان شود که از نقطه نظر زمانی و مکانی همه‌ی واحدهای مورد مطالعه را در برگیرد و در عین حال، افرادی را که شامل صفات مشترک نیستند، متمایز و از مطالعه‌ی آنها جلوگیری نماید (گرچی، ۱۳۸۹).

صنعت بانکداری ایران در حال حاضر از ۳۰ بانک تشکیل شده است که از سایت بانک مرکزی در تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۰ استخراج شده و در جدول (۱) آمده است که بانک‌های خصوصی آن شامل ۲۲ بانک به عنوان جامعه آماری انتخاب می‌شوند.

جدول (۱) بانک‌های تشکیل دهنده صنعت بانکداری ایران

ردیف	توضیح	بانک	سال تأسیس
۱	بانک‌های خصوصی	پاسارگاد	۱۳۸۴
۲		کارآفرین	۱۳۸۰
۳		سینا	۱۳۸۷
۴		اقتصاد نوین	۱۳۸۰
۵		دی	۱۳۸۷
۶		پارسیان	۱۳۸۱
۷		انصار	۱۳۸۹
۸		ملت	۱۳۵۹
۹		تجارت	۱۳۵۸
۱۰		صادرات	۱۳۳۱
۱۱		خاورمیانه	۱۳۹۱
۱۲		آینده (تات)	۱۳۸۸
۱۳		سرمایه	۱۳۸۴
۱۴		سامان	۱۳۸۱
۱۵		شهر	۱۳۸۸
۱۶		رفاه	۱۳۳۸
۱۷		گردشگری	۱۳۸۹
۱۸		ایران زمین	۱۳۸۹

ردیف	توضیح	بانک	سال تأسیس
۱۹		قوامین	۱۳۹۱
۲۰		حکمت ایرانیان	۱۳۸۹
۲۱	بانک‌های خصوصی قرض الحسنه	مهر ایران	۱۳۸۷
۲۲		رسالت	۱۳۹۱
۲۳	بانک‌های تخصصی دولتی	صنعت و معدن	۱۳۶۲
۲۴		مسکن	۱۳۹۱
۲۵		کشاورزی	۱۳۰۹
۲۶		توسعه تعاون	۱۳۸۸
۲۷		توسعه صادرات	
		ایران	۱۳۷۰
۲۸	بانک‌های تجاری دولتی	سپه	۱۳۰۴
۲۹		ملی	۱۳۰۶
۳۰		پست بانک	۱۳۷۵

۳-۳) نمونه آماری پژوهش

در این پژوهش برای نمونه‌گیری از روش انتخاب هدفمند استفاده شده است بدین صورت که بانک‌های عضو جامعه آماری

که دارای شرایط زیر باشند به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند.

۱. از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ در بورس حضور داشته باشند.

۲. بانک‌ها بین سال‌های ۱۳۹۲ لغایت ۱۳۹۷ تغییر سال مالی نداشته باشند.

۳. اطلاعات مورد نیاز بانک‌ها در دسترس باشند.

نمونه‌گیری از بین ۲۲ بانک به صورت هدف‌دار انجام پذیرفته است و در نهایت ۱۳ بانک به عنوان نمونه انتخاب شدند، با

توجه به شرایطی که بیان شد نمونه آماری شامل بانک‌های زیر می‌باشد که در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: نمونه‌های آماری

ردیف	بانک	نوع مالکیت	سال تأسیس
۱	پاسارگاد	غیر دولتی	۱۳۸۴
۲	کارآفرین	غیر دولتی	۱۳۸۰
۳	سینا	غیر دولتی	۱۳۸۷
۴	اقتصاد نوین	غیر دولتی	۱۳۸۰
۵	سامان	غیر دولتی	۱۳۸۱
۶	آینده	غیر دولتی	۱۳۸۸
۷	دی	غیر دولتی	۱۳۸۷
۸	سرمایه	غیر دولتی	۱۳۸۴
۹	شهر	غیر دولتی	۱۳۸۸
۱۰	پارسیان	غیر دولتی	۱۳۸۱
۱۱	ملت	از سال ۸۷ غیر دولتی شد	۱۳۵۹
۱۲	تجارت	از سال ۸۸ غیر دولتی شد	۱۳۵۸
۱۳	صادرات	از سال ۸۸ غیر دولتی شد	۱۳۳۱

۶. مدل و متغیرهای پژوهش

مدل پژوهش:

$$\text{Bank Risk } i = \alpha + \beta_1 \text{Size } i + \beta_2 \text{Car } i + \beta_3 \text{Institutional Ownership } i + \beta_4 \text{Director Ownership } i + \beta_5 \text{CEO Ownership } i + \beta_6 \text{Firm Age } i + \beta_7 \text{Competition Bank } i + (\beta_8 \text{Market-to-Book } i + \epsilon_i) \quad (2)$$

$\text{Bank Risk } i =$ مخاطره پذیری بانک که بر اساس دو شاخص Z-score و Merton محاسبه می‌شود.

$\text{Size } i =$ ترکیب مالکیت

$\text{Car } i =$ کفایت سرمایه

$\text{Institutional Ownership } i =$ درصد مالکیت نهادی

$\text{director Ownership } i =$ درصد مالکیت مدیریتی

$\text{CEO Ownership } i =$ درصد مالکیت مدیرعامل

$\text{Firm Age } i =$ عمر بانک

$\text{Competition Bank } i =$ رقابت پذیری بانک

Market-to-Book i= ارزش بازار به دفتری

متغیرهای مستقل

الف) اندازه

لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌ها (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲).

ب) کفایت سرمایه

کفایت سرمایه حاصل تقسیم سرمایه پایه شامل سرمایه اصلی (سرمایه ثبت شده، سود انباشته، اندوخته قانونی، سهام و سایر اندوخته‌ها) و سرمایه تکمیلی بر مجموع دارایی‌های موزون شده به ضرایب ریسک برحسب درصد است (آیین‌نامه کفایت سرمایه مصوب یک هزار و چهاردهمین جلسه شورای محترم پول و اعتبار). نسبت کفایت سرمایه یک شاخص کلیدی در تحلیل وضعیت بانک به شمار می‌رود که با توجه به آن می‌توان متوجه شد که دارایی‌های بانک تا چه حد در سبد مناسبی سرمایه‌گذاری شده و از لحاظ ریسک و به کارگیری سرمایه در دارایی‌های مختلف از وضعیت مناسبی برخوردار است (سپهر دوست و آئینی، ۱۳۹۲).

۳-۸-۲) متغیر وابسته

مخاطره پذیری: قبول خطر یا پذیرفتن احتمال ضرر و زیان برای رسیدن به مقصود (جلیلی و همکاران، ۱۳۹۲). ریسک‌پذیری انجام هرگونه فعالیتی است که دارای حداقل یک نتیجه مبهم یا نامطمئن باشد. نتیجه مذکور ممکن است مثبت بوده و منفعتی برای فرد به همراه داشته باشد یا ممکن است منفی بوده و فرد با زیان مواجه شود (آنت و همکاران، ۱۳۹۴).

دو شاخص برای آن وجود دارد که عبارت‌اند از: Z-score و Merton. شاخص Z-score بر اساس تغییرات بازده دارایی‌ها و شاخص Merton DD بر اساس فاصله تا زمان ورشکستگی تعریف می‌شوند که در این تحقیق جهت اندازه‌گیری ریسک بانک با معیار Z-score (Z_{i,t}) به شرح زیر استفاده می‌شود. هرچه مقدار Z_{i,t} بیشتر باشد ریسک‌پذیری در سطوح پایین‌تری قرار دارد.

شاخص ارزیابی ریسک‌پذیری (شاخص اول):

$$Z - Score_{i,t} = \frac{RoA_{i,t} + CAR_{i,t}}{\sigma_{RoA_{i,t}}}$$

در معادله قبل $RoA_{i,t}$ همان بازده دارایی‌های بانک i در سال t ، $CAR_{i,t}$ نسبت کفایت سرمایه و $\sigma_{RoA_{i,t}}$ نیز انحراف معیار بازده دارایی‌ها می‌باشد.

شاخص ارزیابی ریسک پذیری (شاخص دوم):

در این تحقیق جهت اندازه گیری ریسک بانک با معیار Merton DD ($M_{i,t}$) به شرح زیر استفاده می شود. هرچه مقدار $M_{i,t}$ بیشتر باشد ریسک پذیری در سطوح پایین تری قرار دارد.

$$MertonDD_{i,t} = \frac{\ln\left(\frac{V_{i,t}}{F_{i,t}}\right) + (RoA_{i,t} - 0/5 \sigma_{RoA_{i,t}}^2)T}{\sigma_{RoA_{i,t}} \sqrt{T}}$$

در معادله فوق

$$V_{i,t} = \text{ارزش بازار}$$

$$F_{i,t} = \text{ارزش بدهی}$$

$$RoA_{i,t} = \text{بازده دارایی ها}$$

$$T = \text{بازه زمانی بر حسب سال}$$

$$\sigma_{RoA_{i,t}} = \text{انحراف معیار بازده دارایی ها}$$

$$\sigma_{RoA_{i,t}}^2 = \text{واریانس بازده دارایی ها می باشد (باگات و همکاران، ۲۰۱۵).}$$

متغیرهای کنترلی

گاهی در بررسی تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته، عوامل دیگری نیز در این رابطه با تأثیرات خود، دخیل می شوند که عدم توجه به تأثیرات این عوامل می تواند باعث نتیجه گیری های نادرست از یافته های تحقیق شود. در این تحقیق ۶ متغیر کنترلی به شرح زیر در نظر گرفته شده است:

الف) نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲).

ب) درصد مالکیت نهادی (عمده): درصد سهام عادی شرکت که در اختیار مؤسسات سرمایه گذاری و یا سایر شرکت های تجاری قرار دارد، میزان درصد مالکیت سهامداران نهادی را نشان می دهد. به منظور محاسبه درصد مالکیت نهادی در هر شرکت، تعداد سهام سهامداران نهادی بر کل تعداد سهام عادی شرکت در ابتدای دوره تقسیم می گردد (ملکیان و عدیلی، ۱۳۹۲).

ج) درصد مالکیت مدیریتی: بیانگر درصد سهام نگهداری شده توسط اعضای خانواده هیئت مدیره است که یا خود اعضا دارای سهام بوده و یا به نمایندگی از شرکت هایی هستند که دارای سهام می باشند (ستایش و صالحی نیا، ۱۳۹۳).

د) درصد مالکیت مدیر عامل: یعنی مدیر عامل درصدی از سهام شرکت را در اختیار داشته باشد؛ که در آن صورت فعالیت های مدیران بیشتر در راستای منافع سهامداران قرار می گیرد (لافوند و ریچودوری، ۲۰۰۸).

(ر) **عمر بانک:** عمر بانک نشان‌دهنده میزان تجربه بانک هست. بانک‌های دارای تجربه بالاتر دارای مدیریت ریسک بهتری نسبت به بانک‌های کم تجربه‌تر می‌باشند (باگات و همکاران، ۲۰۱۳).

(و) **رقابت پذیری:** هی و ویلیامسون^{۲۰} (۱۹۹۱) رقابت‌پذیری را تشخیص ظرفیت‌ها و موقعیت بازاری تلقی می‌کنند که سبب برتری بنگاه در مقایسه با رقبایش می‌شوند. به بیان دیگر، رقابت‌پذیری موقعیت بی‌نظیر یک سازمان در برابر رقبایش است که از طریق الگوی توسعه منابع، بسط می‌یابد. در این چارچوب، رقابت‌پذیری شامل مواردی است که یک بنگاه می‌تواند انجام دهد ولی بنگاه‌های دیگر قادر به انجام آن‌ها نیستند، که خود موجب تقاضای بیشتر یا هزینه کمتر برای آن بنگاه می‌شود (معصومی، ۱۳۹۰).

۷. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به نتایج تخمین فرضیه اول که در جدول ۲ ارائه شده مقدار احتمال آماره (سطح معناداری) برابر ۰/۰۰۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۵٪ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود، یعنی مدل معنادار است. مقدار آماره دورین- واتسون ۱/۷۱۳۱۰۹ می‌باشد که این مقدار، عدم وجود خودهمبستگی خطاها را نشان می‌دهد. مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد که متغیر مستقل نزدیک به ۹۰٪ از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد، تقریباً ۸۷٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند.

با توجه به سطح معناداری متغیرهای مالکیت نهادی و مالکیت هیئت‌مدیره که به ترتیب ۰/۷۱۳۹ و ۰/۸۴۷۸ می‌باشند، حاکی از آن است که بین این متغیرها و ریسک‌پذیری بر اساس شاخص Z-score در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه‌ی معناداری وجود ندارد؛ همچنین با توجه به ضریب متغیرهای مالکیت مدیرعامل، عمر بانک و رقابت‌پذیری که به ترتیب ۰/۰۳۰۱۱۷-، ۰/۵۵۰۳۶۹- و ۰/۱۴۶۸۹- می‌باشند، نشان‌دهنده رابطه منفی بین آن‌ها و ریسک‌پذیری بر اساس شاخص Z-score وجود دارد که با توجه به احتمال کمتر از ۵٪ دارای رابطه معناداری هستند.

متغیر کنترلی ارزش بازار به دفتری با توجه به سطح معناداری آن دارای ضریب تعیین ۰/۱۴۶۸۹ می‌باشد که حاکی از تأثیر مستقیم ارزش بازار به دفتری بر ریسک‌پذیری بر اساس شاخص Z-score می‌باشد؛ با فرض ثابت ماندن اثر سایر متغیرها، این گونه می‌توان نتیجه گرفت که با تغییر یک واحد در ارزش بازار به دفتری، منجر به ۰/۵۶۴۵۸۶ واحد تغییر در ریسک‌پذیری بر اساس شاخص Z-score می‌شود.

در حالت کلی نتایج نشان می‌دهد که احتمال متغیر اندازه برابر با ۰/۶۹۰۸ بوده و چون از ۵٪ بیشتر است پس دارای رابطه معناداری با ریسک‌پذیری بر اساس شاخص Z-score نمی‌باشد، بنابراین فرضیه فوق تأیید نمی‌شود.

جدول ۳: نتایج تخمین فرضیه‌های ۱ و ۲

متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای معیار (استاندارد)	t آماره	احتمال
مقدار ثابت (عرض از مبدأ)	C	۸۲۳۵۰/۲۱	۰۵۷۵۷۶/۹	۴۰۹۴۱۹/۲	۰/۱۸۶
اندازه	Size	۱۹۱۹۳۸/۰	۴۸۰۵۱۴/۰	۳۹۹۴۴۴/۰	۰/۶۹۰۸
کفایت سرمایه	Car	۴۲۰۹۲۱/۱	۳۳۳۴۹۲/۰	۲۶۰۷۳۲/۴	۰/۰۰۰۱
مالکیت نهادی	Inst	۰۰۲۱۲۳/۰	۰۰۵۷۶۹/۰	۳۶۸۰۶۸/۰	۰/۷۱۳۹
مالکیت هیئت مدیره	Ceo	۰۰۱۸۹۷/۰	۰۰۹۸۴۸/۰	۱۹۲۶۲۵/۰	۰/۸۴۷۸
مالکیت مدیرعامل	Direct	۰۳۰۱۱۷/۰	۰۱۷۱۳۶/۰	۷۵۷۵۰۱/۰	۰/۰۸۳۲
عمر بانک	Age	۵۵۰۳۶۹/۰	۱۱۸۹۵۰/۰	۶۲۶۸۹۱/۰	۰/۰۰۰۰
رقابت پذیری	Comp	۰۱۴۶۸۹/۰	۰۰۵۴۳۱/۰	۷۰۴۶۸۶/۰	۰/۰۰۸۶
ارزش بازار به دفتری	Mb	۵۶۴۵۸۶/۰	۲۱۴۴۶۸/۰	۶۳۲۴۹۷/۰	۰/۰۱۰۴
ضریب تعیین	R-squared	۸۹۷۰۷۰/۰			
ضریب تعیین تعدیل شده	Adjusted R-squared	۸۶۷۶۶۱/۰			
دوربین-واتسون	Durbin-Watson stat	۷۱۳۱۰۹/۱			
f آماره	F-statistic	۵۰۳۵۵/۳۰			
f احتمال آماره	Prob(F-statistic)	۰۰۰۰۰/۰			

نتایج آزمون فرضیه دوم

با توجه به نتایج تخمین فرضیه دوم که در جدول ۳ ارائه شده مقدار احتمال آماره (سطح معناداری) برابر ۰/۰۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۵٪ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود، یعنی مدل معنادار است. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد، تقریباً ۸۷٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند. مقدار آماره دوربین-واتسون ۱/۷۱۳۱۰۹ می‌باشد که این مقدار، عدم وجود خودهمبستگی

خطاها را نشان می‌دهد. مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد که متغیر مستقل نزدیک به ۹۰٪ از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد.

با توجه به سطح معناداری متغیرهای مالکیت نهادی و مالکیت هیئت مدیره که به ترتیب ۰/۷۱۳۹ و ۰/۸۴۷۸ می‌باشند، حاکی از آن است که بین این متغیرها و ریسک‌پذیری بر اساس شاخص Z-score در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. معنی‌داری متغیرهای کنترلی مالکیت مدیرعامل، عمر بانک و رقابت‌پذیری که دارای ضرایب برآوردی به ترتیب ۰/۳۰۱۱۷-، ۰/۵۵۰۳۶۹- و ۰/۱۴۶۸۹- می‌باشند، نشان‌دهنده رابطه معکوس بین آن‌ها و ریسک‌پذیری بر اساس شاخص Z-score بوده، یعنی با تغییر یک واحد در متغیرهای فوق، با فرض ثابت ماندن اثر سایر متغیرها، به ترتیب منجر به ۰/۳۰۱۱۷-، ۰/۵۵۰۳۶۹- و ۰/۱۴۶۸۹- واحد تغییر در ریسک‌پذیری بر اساس شاخص Z-score می‌شود. متغیر کنترلی ارزش بازار به دفتری با توجه به احتمال ۰/۱۰۴، حاکی از آن است که بین این متغیر و ریسک‌پذیری بر اساس شاخص Z-score در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

نتایج نشان می‌دهد که متغیر کفایت سرمایه دارای ضریب برآوردی ۰/۴۲۰۹۲۱ بوده که تأثیر مثبتی بر متغیر وابسته دارد و از آنجا که احتمال آن برابر با ۰/۰۰۰۱ بوده که کمتر از ۵٪ است پس دارای رابطه معناداری با ریسک‌پذیری بر اساس شاخص Z-score می‌باشد؛ بنابراین فرضیه فوق تأیید می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه سوم

با توجه به نتایج تخمین فرضیه سوم که در جدول ۴ ارائه شده مقدار احتمال آماره (سطح معناداری) برابر ۰/۰۰۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۵٪ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود، یعنی مدل معنادار است. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد، حدود ۷۴٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند. مقدار آماره دوربین- واتسون ۱/۵۳۳۲۴۶ می‌باشد که این مقدار، عدم وجود خودهمبستگی خطاها را نشان می‌دهد. مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد که متغیر مستقل نزدیک به ۸۰٪ از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد.

با توجه به سطح معناداری متغیرهای مالکیت نهادی، مالکیت مدیرعامل و عمر بانک که به ترتیب ۰/۵۳۳۵، ۰/۳۵۰۲ و ۰/۷۰۴۱ می‌باشند، حاکی از آن است که بین این متغیرها و ریسک‌پذیری بر اساس شاخص Merton DD در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه‌ی معناداری وجود ندارد؛ همچنین با توجه به ضریب متغیرهای مالکیت هیئت مدیره و رقابت‌پذیری که به ترتیب ۰/۳۰۱۱۷ و ۰/۳۲۳۸۶ می‌باشند، نشان‌دهنده رابطه مستقیمی بین آن‌ها و ریسک‌پذیری بر اساس شاخص Merton DD وجود دارد که با توجه به احتمال کمتر از ۵٪ دارای رابطه معناداری هستند.

متغیر کنترلی ارزش بازار به دفتری با توجه به سطح معناداری آن دارای ضریب تعیین ۱/۲۶۹۹۳۴- می‌باشد که حاکی از تأثیر معکوس ارزش بازار به دفتری بر ریسک‌پذیری بر اساس شاخص Merton DD می‌باشد؛ با فرض ثابت ماندن اثر

سایر متغیرها، این گونه می توان نتیجه گرفت که با تغییر یک واحد در ارزش بازار به دفتری، منجر به ۱/۲۶۹۹۳۴ واحد کاهش در ریسک پذیری بر اساس شاخص Merton DD می شود.

در حالت کلی نتایج نشان می دهد که احتمال متغیر اندازه برابر با ۰/۰۰۰۰۲ بوده و چون از ۵% کمتر است پس دارای رابطه معناداری با ریسک پذیری بر اساس شاخص Merton DD می باشد، بنابراین فرضیه فوق تأیید می شود.

جدول ۴: نتایج تخمین فرضیه های ۳ و ۴

متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای معیار (استاندارد)	t آماره	احتمال
مقدار ثابت (عرض از مبدأ)	C	۸۰- / ۹۹۴۹۳	۵۱۷۶۴/۱۶	-۴ / ۹۰۳۵۴۲	۰۰۰۰/۰
اندازه	Size	۲۱۶۰۷۹/۳	۸۰۹۲۰۳/۰	۹۷۴۳۸۰/۳	۰۰۰۲/۰
کفایت سرمایه	Car	۱۹۴۰۴۴/۱	۶۶۴۳۴۹/۰	۷۹۷۳۱۵/۱	۰۷۶۶/۰
مالکیت نهادی	Inst	۰۰۶۱۳۱/-۰	۰۰۹۷۹۷/۰	-۰ / ۶۲۵۷۷۶	۵۳۳۵/۰
مالکیت هیئت مدیره	Ceo	۰۷۲۹۸۴/۰	۰۲۱۳۷۹/۰	۴۱۳۷۹۶/۳	۰۰۱۱/۰
مالکیت مدیرعامل	Direct	۰۲۹۸۳۸/-۰	۰۳۱۷۲۷/۰	-۰ / ۹۴۰۴۵۶	۳۵۰۲/۰
عمر بانک	Age	۰۹۴۶۵۹/۰	۲۴۸۱۸۳/۰	۳۸۱۴۰۶/۰	۷۰۴۱/۰
رقابت پذیری	Comp	۰۳۲۳۸۶/۰	۰۱۰۹۱۸/۰	۹۶۶۱۹۱/۲	۰۰۴۱/۰
ارزش بازار به دفتری	Mb	۲۶۹۹۳۴/-۱	۴۱۸۹۸۳/۰	-۳ / ۰۳۰۹۹۳	۰۰۳۴/۰
ضریب تعیین	R-squared	۸۰۱۱۰۶/۰			
ضریب تعیین تعدیل شده	Adjusted R-squared	۷۴۴۲۸۰/۰			
دوربین-واتسون	Durbin-Watson stat	۵۳۳۲۴۶/۱			
f آماره	F-statistic	۰۹۷۳۶/۱۴			
f احتمال آماره	Prob(F-statistic)	۰۰۰۰۰/۰			

نتایج آزمون فرضیه چهارم

با توجه به نتایج تخمین فرضیه چهارم که در جدول ۵ ارائه شده مقدار احتمال آماره (سطح معناداری) برابر $0/00000$ بوده و چون این مقدار کمتر از 5% است، فرض صفر در سطح اطمینان 95% رد می‌شود، یعنی مدل معنادار است. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد، حدود 74% تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند. مقدار آماره دوربین- واتسون $1/533246$ می‌باشد که این مقدار، عدم وجود خودهمبستگی خطاها را نشان می‌دهد. مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد که متغیر مستقل نزدیک به 80% از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد.

با توجه به ضریب متغیرهای مالکیت هیئت‌مدیره و رقابت‌پذیری که به ترتیب $0/030117$ و $0/032386$ می‌باشند، نشان‌دهنده رابطه مستقیمی بین آن‌ها و ریسک‌پذیری بر اساس شاخص Merton DD وجود دارد که با توجه به احتمال کمتر از 5% دارای رابطه معناداری هستند؛ همچنین با توجه به سطح معناداری متغیرهای مالکیت نهادی، مالکیت مدیرعامل و عمر بانک که به ترتیب $0/53335$ ، $0/3502$ و $0/7041$ می‌باشند، حاکی از آن است که بین این متغیرها و ریسک‌پذیری بر اساس شاخص Merton DD در سطح اطمینان 95% رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. متغیر کنترلی ارزش بازار به دفتری با توجه به سطح معناداری آن دارای ضریب تعیین $1/269934$ می‌باشد که حاکی از تأثیر منفی ارزش بازار به دفتری بر ریسک‌پذیری بر اساس شاخص Merton DD می‌باشد؛ با فرض ثابت ماندن اثر سایر متغیرها، این گونه می‌توان نتیجه گرفت که با تغییر یک واحد در ارزش بازار به دفتری، منجر به $1/269934$ واحد کاهش در ریسک‌پذیری بر اساس شاخص Merton DD می‌شود.

نتایج نشان می‌دهد که متغیر کفایت سرمایه دارای احتمال برابر با $0/0766$ بوده که بیشتر از 5% است پس دارای رابطه معناداری با ریسک‌پذیری بر اساس شاخص Merton DD نمی‌باشد؛ بنابراین فرضیه فوق رد می‌شود.

۸. نتیجه گیری

نتایج فرضیه اول

بر اساس فرضیه اول انتظار می‌رفت که بین اندازه و مخاطره‌پذیری بانک‌ها بر اساس شاخص Z-score رابطه‌ی معناداری وجود داشته باشد. نتایج تحقیق مبین این موضوع است که بین اندازه و مخاطره‌پذیری بانک‌ها بر اساس شاخص Z-score رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. به همین دلیل نمی‌توان فرضیه اول پژوهش را تأیید شده تلقی نمود. دلیل این نتیجه را می‌توان بدین گونه تفسیر کرد که بانک‌های بزرگ‌تر منابع مالی و دارایی‌های بیشتری دارند و مدیران مالی خبره و با تخصص مالی را در استخدام دارند و این امر موجب مدیریت مالی صحیح در امور بانکی می‌شود. این مدیران نظارت بیشتری بر فعالیت‌های بانکی دارند و با اجرای سیاست‌های مطلوب موجب سودآوری و در نهایت کاهش مخاطره‌پذیری بانک می‌شوند؛ همچنین بانک‌های بزرگ‌تر به دلیل دسترسی بیشتر به بازارهای محصول و صرفه‌جویی در مقیاس در تأثیر عوامل تولید، از ریسک‌پذیری کمتری برخوردارند و در ناملازمات تجاری مقاومت بیشتری از خود نشان می‌دهند بنابراین

انتظار می‌رود بانک‌های بزرگ مخاطره پذیری پایین‌تری داشته باشند. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه با نتایج تحقیق مهمان‌نوازان (۱۳۹۳)، ساندرز و همکاران^{۲۱} (۱۹۹۰)، گالوی و همکاران^{۲۲} (۱۹۹۷)، چان و همکاران^{۲۳} (۲۰۱۱) مطابقت دارد.

نتایج فرضیه دوم

بر اساس فرضیه دوم انتظار داشتیم که بین کفایت سرمایه و مخاطره پذیری بانک‌ها بر اساس شاخص Z -score رابطه‌ی معناداری وجود داشته باشد. نتایج تحقیق مبین این موضوع است که بین کفایت سرمایه و مخاطره پذیری بانک‌ها بر اساس شاخص Z -score رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. این نتیجه از دو دیدگاه قابل بررسی است. دیدگاه اول: افزایش نسبت کفایت سرمایه سبب کاهش سودآوری بانک‌ها به علت کاهش سرمایه در گردش می‌شود لذا بانک‌ها در جهت تحقق سود مورد انتظار نسبت به ریسک بیشتر اقدام نموده تا کاهش سود ناشی از کاهش سرمایه در گردش را جبران کنند. دیدگاه دوم: از آنجاکه کارکرد اصلی نسبت کفایت سرمایه حمایت بانک در برابر زیان‌های غیرمنتظره و نیز حمایت از سپرده‌گذاران و اعتباردهندگان است، افزایش این نسبت باعث اعتماد بیشتر سپرده‌گذاران به بانک شده و نسبت به سپرده‌گذاری بیشتر اقدام می‌نمایند که این موضوع افزایش منابع بانکی را به همراه خواهد داشت و بانک‌ها با پرداخت تسهیلات بیشتر خود را در معرض ریسک‌های مختلف مانند ریسک اعتباری، ریسک بازار و... قرار می‌دهند به بیان دیگر بالاتر بودن کفایت سرمایه سبب افزایش ریسک‌پذیری بانک‌ها می‌شود. با توجه به موارد فوق می‌توان فرضیه دوم پژوهش را تأییدشده تلقی نمود. نتایج این پژوهش با نتایج تحقیق طالب لو (۱۳۹۰)، دائو و انکنبرند^{۲۴} (۲۰۱۴) مطابقت دارد.

نتایج فرضیه سوم

بر اساس فرضیه سوم انتظار می‌رفت که بین اندازه و مخاطره پذیری بانک‌ها بر اساس شاخص Merton DD رابطه‌ی معناداری وجود داشته باشد. نتایج تحقیق مبین این موضوع است که بین اندازه و مخاطره پذیری بانک‌ها بر اساس شاخص Merton DD رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. به بیان دیگر بزرگ‌تر شدن اندازه بانک‌ها، سبب افزایش مخاطره پذیری بانک‌ها می‌شود. با توجه به موارد فوق می‌توان فرضیه سوم پژوهش را تأییدشده تلقی نمود. هرچقدر بانک‌ها از سرمایه بیشتر و سالم‌تری برخوردار باشند از توان حمایتی و تسهیلات دهی بیشتری در حمایت از اقتصاد برخوردار خواهند بود. سرمایه مناسب و کافی یکی از شرایط لازم برای حفظ سلامت نظام بانکی است و هریک از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری برای تضمین ثبات و پایداری فعالیت‌های خود باید همواره نسبت مناسبی را میان سرمایه و ریسک موجود در دارایی‌های خود برقرار کنند. با افزایش دارایی‌ها، اندازه بانک افزایش یافته و بانک به منظور پوشش هزینه‌ها و همچنین سودآوری ناچار به بالا بردن حجم تسهیلات پرداختی می‌نماید که خود افزایش ریسک‌پذیری را به همراه دارد؛ همچنین

21. Sanders at el

22. Galloway

23. Chan et al

24. Dao and Ankenbrand

اندازه بانک به عنوان فاکتوری از میزان در دسترس بودن اطلاعات نیز مورد استفاده قرار می گیرد. به این معنا که اطلاعات بانک های بزرگ بیش از بانک های کوچک در دسترس همگان قرار دارد. این موضوع سبب کاهش مسئله ای اطلاعات نامتقارن در بانک های بزرگ می شود و می تواند سبب افزایش ریسک پذیری بانک شود. نتایج این پژوهش با نتایج تحقیق جان و همکاران^{۲۵} (۲۰۱۱)، باگات و همکاران^{۲۶} (۲۰۱۵) و گونزالز^{۲۷} (۲۰۰۵) مطابقت دارد.

نتایج فرضیه چهارم

بر اساس فرضیه چهارم انتظار می رفت که بین کفایت سرمایه و مخاطره پذیری بانک ها بر اساس شاخص Merton DD رابطه ای معناداری وجود داشته باشد. نتایج تحقیق مبین این موضوع است که بین کفایت سرمایه و ریسک پذیری بانک ها بر اساس شاخص Merton DD رابطه ای مثبت و معناداری وجود ندارد. در شاخص Merton DD به علت نقش متغیرهای زیادی در ریسک پذیری سایر متغیرها تأثیر زیادی در میزان ریسک پذیری داشته و متغیر کفایت سرمایه دارای تأثیر معناداری بر ریسک پذیری نمی باشد. به همین دلیل نمی توان فرضیه چهارم پژوهش را تأیید شده تلقی نمود. به دلیل مشابه نبودن نتایج تحقیقی در این رابطه، نمی توان نتایج حاصل از آزمون این فرضیه را با نتایج تحقیقی مقایسه نمود.

۹. پیشنهادهای حاصل از یافته های پژوهش

با توجه به محدودیت الف پیشنهاد می گردد محققین بعدی تعداد بیشتری از بانک ها را مورد تحقیق قرار دهند و حجم نمونه را بیشتر انتخاب نمایند.

۲- صورت های مالی بانک ها در یک محدوده مشخص مورد پژوهش قرار گیرد تا محاسبات اضافی انجام نشود.

۳- بازیابی رویه مشخص و استاندارد در تهیه صورت های مالی بین بانک ها

۴- نظر به اینکه مقایسه حاضر به بررسی تأثیر اندازه و کفایت سرمایه بر ریسک پذیری بانک ها پرداختند پیشنهاد می گردد پژوهشگر بعدی از تأثیر یک متغیر بر ریسک پذیری استفاده نماید.

۵- پیشنهاد می گردد محقق بعدی تأثیر اندازه و کفایت سرمایه را با ریسک پذیری بر اساس شاخص های دیگری نیز بررسی نماید (غیر از Z-score و Merton DD)

منابع

۱. آنت، زینب؛ رضوی، محمدحسین؛ جمشیدی، امید (۱۳۹۴). "ارتباط ابعاد پنج گانه شخصیت و ریسک پذیری شرکت کنندگان در مسابقات بین المللی دوومیدانی دهه فجر". مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش، دوره دوم، شماره ۷، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۹-۲۹

25. Dao and Ankenbrand

26. Bhagat et al

27. Gonzales

۲. آئین نامه مربوط به سرمایه پایه بانکها و مؤسسات اعتباری مصوب یک هزار و سیزدهمین جلسه شورای محترم پول و اعتبار مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۷ «آئین نامه کفایت سرمایه» مصوب یک هزار و چهاردهمین جلسه شورای محترم پول و اعتبار مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۵
۳. احمد پور، احمد؛ منتظری، هادی (۱۳۹۰). "نوع مدیریت سود و تاثیر اندازه شرکت، ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی بر آن." فصلنامه پیشرفت های حسابداری علوم اجتماعی و انسانی شیراز، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، دوره ۳، شماره ۲
۴. افخمی اردکانی، مهدی؛ مومنی، منصور؛ فرهی، رضا (۱۳۹۰). "بررسی روند کارایی بانک های تجاری ایران با رویکرد تحلیلی پنجره ای و شاخص بهره وری ماللم کویست." دانشور رفتار ۴۷، ۲ (۱۳۹۰): ۱۷۹-۲۰۵.
۵. افسرده گلغزانی، جواد (۱۳۸۴). "بررسی ارتباط بین ارزش شرکت و ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک آن با استفاده از شاخص Q توبین در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره ۱۳۷۶-۱۳۸۰." پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت بازرگانی (گرایش مالی). دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.
۶. افلاطونی، عباس (۱۳۹۲). "تجزیه و تحلیل آماری با eviews در تحقیقات حسابداری و مدیریت مالی." انتشارات ترمه
۷. بحرینی، مریم (۱۳۹۱). "تأثیر سرمایه گذاری نهادی بر ریسک سیستماتیک در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران." پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات سیرجان.
۸. بیگ زاده، جعفر؛ پاک مرام، عسکر (۱۳۹۱). "تبیین مدیریت ریسک و ضرورت اعمال آن در بانک های ایرانی"، مجله بانک و اقتصاد، شماره ۱۱۸، تیر ۱۳۹۱، صص ۱۶-۲۱
۹. پارسایان، علی (۱۳۸۱). تئوری های حسابداری، چاپ اول، دفتر پژوهش های فرهنگی
۱۰. پهلوان زاده، مسعود (۱۳۸۶). "مروری بر رویکردهای جدید نسبت کفایت سرمایه در بانکها (بر اساس بیانیه دوم کمیته مقررات و نظارت بانکی بازل)." نشریه علمی - تخصصی روند، شماره ۱۲ و ۱۳.
۱۱. تاجمیر ریاحی، حامد (۱۳۹۱). "بررسی رابطه شاخص های حسابداری مدیریت ریسک و بازده سهام در بانکها." فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابداری مدیریت - دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱، صفحه ۷۳-۸۴
۱۲. تشکینی، احمد عباسی نژاد، حسین (۱۳۹۰). "اقتصاد سنجی کاربردی (پیشرفته)." دانشکده علوم اقتصادی و نور علم، ۱۳۹۰.
۱۳. تقوی، مهدی؛ احمدیان، اعظم؛ کیانوند، مهران (۱۳۹۲). "تحلیلی بر تأثیر حاکمیت شرکتی بر ثبات سیستم بانکی کشورهای در حال توسعه (با تأکید بر شاخص مالکیت بانکها)"، فصل نامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال ششم، شماره نوزدهم.
۱۴. تولایی، روح اله؛ شکوه یار، سجاد (۱۳۹۳). "ارزیابی مؤلفه های مدیریت جهادی بر عملکرد سازمانی با رویکرد کارت امتیازی متوازن." فصلنامه علمی - پژوهشی چشم انداز مدیریت دولتی، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۳.

۱۵. جلیلی، صابر؛ پیرایش، رضا؛ قاسم‌زاده، لیلی (۱۳۹۲). "تأثیر هوش هیجانی بر تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران انفرادی فعال در بورس اوراق بهادار تهران". پژوهش حسابداری پاییز ۱۳۹۳، شماره ۱۴
۱۶. حسینی، علی (۱۳۸۵)، "کمیت باسل چیست"، روزنامه آفتاب، ۱۳۸۵/۰۶/۲۶
۱۷. حیدر پور، فرزانه؛ خواجه محمود، زیبا (۱۳۹۳). "رابطه بین ویژگی‌های پیش‌بینی سود هر سهم توسط مدیریت بر ریسک و ارزش شرکت باهدف آینده‌نگری در تصمیم‌گیری". فصل‌نامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار سال هفتم، شماره بیست و دوم تابستان ۱۳۹۳.
۱۸. خادم، نسیم (۱۳۹۱). "بررسی رابطه بین نسبت کفایت سرمایه و شاخص ریسک ورشکستگی با عملکرد مالی بانک‌ها در صنعت بانکداری ایران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد واحد مرکزی تهران.
۱۹. دستگیر، محسن؛ احمدی، زینب (۱۳۹۳). "تأثیر اندازه شرکت، نوع گزارش حسابرسی و درصد مالکیت دولتی، بر رتبه‌بندی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران از نظر به موقع بودن گزارش حسابرسی"، پژوهش حسابداری، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۹۳.
۲۰. دستورالعمل چگونگی شناسایی مشتریان خارجی مؤسسات اعتباری، بانک مرکزی، ۱۳۸۸
۲۱. رحمانی، علی؛ حیدری، سید علی (۱۳۸۵). "بررسی رابطه نسبت کفایت سرمایه با متغیرهای مالی در سیستم بانکی ایران". پیام مدیریت زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۸۵-۱۹۹
۲۲. رضایی، علی؛ تقی نتاج، غلامحسن؛ یعقوب نژاد، احمد (۱۳۹۴). "تأثیر کیفیت دارایی‌ها در ریسک تأثیری بانک‌های فعال در صنعت بانکداری ایران". سومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت.
۲۳. رضایی، فرزین؛ محمد دوست، حورا (۱۳۹۳). "بررسی رابطه رقابت‌پذیری بانک‌ها در اعطای تسهیلات باثبات مالی آن‌ها با تأکید بر اندازه و کفایت سرمایه بانک‌ها". کنفرانس بین‌المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی. ۴-۵ آبان ۱۳۹۳.
۲۴. راعی، رضا؛ فاضلیان، سید محسن (۱۳۹۱). "بررسی و عرضه مدل رابطه بین ریسک کشوری و جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه (با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران)". اندیشه مدیریت راهبردی؛ سال ششم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، شماره پیاپی ۱۲، ص ۶۳-۹۷
۲۵. راعی، رضا و سعیدی، علی (۱۳۸۳). "مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک. دانشگاه تهران"، دانشکده مدیریت: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
۲۶. رحمانی، علی؛ حیدری، سید علی (۱۳۸۵). "بررسی رابطه نسبت کفایت سرمایه با متغیرهای مالی در سیستم بانکی ایران". پیام مدیریت زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۸۵-۱۹۹
۲۷. رضایی، علی؛ تقی نتایج، غلامحسن؛ یعقوب نژاد، احمد (۱۳۹۴). "تأثیر کیفیت دارایی‌ها در ریسک تأثیری بانک‌های فعال در صنعت بانکداری ایران". سومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت.

۲۸. رسولی زاده‌ئی، علی (۱۳۸۴). "پیش‌بینی و مدیریت ریسک در بورس اوراق بهادار تهران"، بنیاد توسعه فردا، اسفند ۱۳۸۴
۲۹. رفیعی شمس‌آبادی، پریسا؛ کریم‌خانی، عباسعلی؛ (۱۳۹۰). "بررسی اندازه بهینه بانک از نظر اقتصادی (مطالعه موردی بانک سپه)". بیست و دومین همایش بانکداری اسلامی.
۳۰. سپهردوست، حمید؛ آئینی، طیبه (۱۳۹۲). "بررسی عوامل مؤثر بر بانک‌های ایران طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۹". مجله پژوهش‌های حسابداری مالی. سال پنجم. شماره چهارم. شماره پیاپی ۱۸. ص ۳۶
۳۱. ستایش، محمدحسین؛ صالحی‌نیا، محسن (۱۳۹۳). "تأثیر ساختار مالکیت و ساختار سرمایه بر جریان‌های نقدی آزاد". پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی. سال ۷، شماره ۲۵، بهار ۹۴، صص ۱۵-۳۲
۳۲. ستایش، محمدحسین؛ کاظم‌نژاد، مصطفی (۱۳۸۹). "بررسی تاثیر ساختار مالکیت و ترکیب هیئت مدیره بر سیاست تقسیم سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". مجله دانش حسابداری. سال اول. شماره یک. صص ۲۹-۵۱
۳۳. سجادی، سید حسین؛ فرازمنند، حسن؛ نیک‌کار، جواد (۱۳۹۲). "تأثیر ساختار مالکیت بر ریسک سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها"، پژوهش‌های حسابداری و مالی حسابرسی، سال پنجم، شماره بیستم، زمستان ۱۳۹۲، صص ۲۹-۵۶
۳۴. سعیدی، علی، نرگس حمیدیان، حامد ربیعی، (۱۳۹۲) "رابطه‌ی بین فعالیت‌های مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه حسابداری مدیریت، سال ششم، شماره هفدهم، صص ۴۵ - ۵۸.
۳۵. سلیمانی، کرم؛ حاجی زکی، حسین (۱۳۹۵). "تأثیر مدیریت ریسک اعتباری بر سودآوری بانک‌ها". نشریه دنیای اقتصاد. مهر ۱۳۹۵
۳۶. سوری، علی (۱۳۹۲). اقتصادسنجی (جلد ۱) مقدماتی، انتشارات نشر فرهنگ شناسی
۳۷. سیف، ولی‌اله (۱۳۸۳). "کفایت سرمایه در نظام بانکی". مجله حسابداری، سال بیستم، شماره ۱۹۱
۳۸. شریعت‌پناهی، مجید؛ خسروی، فرمان (۱۳۸۷). "رابطه بازدهی سهام با اندازه شرکت، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار و نسبت سود به قیمت سهام در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۵، شماره ۲۰، صفحه ۶۱-۸۷
۳۹. صفوی، محمد (۱۳۹۵). "تأثیر مدیریت ریسک اعتباری بر سودآوری بانک‌ها". نشریه دنیای اقتصاد. مهر ۱۳۹۵
۴۰. صمدیان باروق، کریم (۱۳۹۴). "تحلیل اثر مالکیت نهادی بر ریسک‌پذیری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران". سومین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم
۴۱. طالب‌لو، رضا (۱۳۹۰). "اثر مقررات تنظیمی و رقابت بانکی بر ریسک‌پذیری بانک‌ها مورد بانک‌های ایران". رساله دکتری

۴۲. طالبی، محمد (۱۳۹۰). "مدیریت ریسک در نظام بانکداری". کنفرانس بین‌المللی صنعت بانکداری و اقتصاد جهانی
۴۳. فلاح شمس، میرفیض؛ عباس زاده، حسن (۱۳۸۷). "مقایسه تطبیقی کفایت سرمایه در بیانیه اول و دوم کمیته بال". نشریه روند، شماره ۵۴ و ۵۵.
۴۴. عباسی نژاد، حسین (۱۳۸۰). "اقتصادسنجی (مبانی و روش‌ها)". انتشارات دانشگاه تهران.
۴۵. مراد زاده فرد، مهدی؛ زارعزاد مهریزی، محمدصادق؛ تاگر، رضا (۱۳۹۱). "تأثیر پاداش هیئت‌مدیره و مالکیت نهادی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۱۸
۴۶. معصومی، عذرا (۱۳۹۰). "بررسی تأثیر سرمایه انسانی بر رقابت‌پذیر شدن بانک (مطالعه موردی بانک کشاورزی استان گلستان)". اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال اول، شماره دوم، پاییز ۱۳۹۰. صص ۱۲۷-۱۵۶
۴۷. مومنی، منصور. (۱۳۸۶) "تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS" انتشارات کتاب نو، ۱۳۸۶.
۴۸. نامی ملایی، افشین؛ زراعت کیش، سید یعقوب؛ ولی زاده، سیدنیما (۱۳۹۵). "بررسی تأثیر مدیریت ریسک مالی، کارایی عملیاتی و اندازه بانک از حیث دارایی‌ها بر عملکرد مالی (مورد مطالعه بانک ملت استان تهران)". چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.
۴۹. ولی پور پاشاه، محمد (۱۳۹۳). "مدیریت ریسک نقدینگی در بانک‌ها؛ یک چارچوب مفهومی". فصلنامه روند، سال بیست و یکم، شماره‌های ۶۵ و ۶۶، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صفحات ۲۰۱ - ۲
۵۰. همتی، عبدالناصر؛ محبی نژاد، شادی (۱۳۸۸). "ارزیابی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر ریسک اعتباری بانک‌ها". پژوهش‌نامه اقتصادی. شماره ۶. صص ۳۳-۵۹
۵۱. یزدان پناه، احمد؛ شکیب حاجی آقا سکینه (۱۳۸۸). "عوامل مؤثر بر ریسک نقدینگی بانک‌ها (مطالعه موردی بانک ملت)". مجله مطالعات مالی. شماره سوم. پاییز ۱۳۸۸
52. Anderson, T & Freezer, G (2000). Corporate Governance, Bank Vigilance and Banking Industry. Journal of banking and finance. 39(1), 71-82
53. Ata Can Bertay, Asli Demirgüç-Kunt, Harry Huizinga (2013). Do we need big banks? Evidence on performance, strategy and market discipline. J. Finan. Intermediation 22 (2013) 532-558
54. Barry, P. J. (1984), Risk management in agriculture. Iowa State University Press.
55. Coombes, P., & Wong, S, C, Y. (2004). "Chairman and CEO – One Job or Two?". The McKinsey Quarterly, 2. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=897485>.
56. Keeley, M (1990). Deposit insurance, risk and capital regulation. Journal of Finance, 35, 1235-

Investigating the relationship between banks' risk-taking, capital adequacy and ownership composition

Seyed Morteza Tabatabai¹

Mohammad Reza Abdoli²

Date of Receipt: 2022/05/22 Date of Issue: 2022/06/22

Abstract

In this study, the general purpose is to investigate the relationship between banks' risk-taking, capital adequacy and ownership composition. The risk level of CEOs was assessed using a standard questionnaire designed based on the Likert scale. Corporate financial performance is also measured using indicators of total return on assets, return on equity, sales growth and net profit growth. The willingness of senior managers to take risks and the attitude to risk as a special personality trait determines their risk-taking or elusive behavior when making decisions; in such a situation, in order to protect the interests of depositors, criteria such as capital adequacy ratio are included in the law. The present study investigates the effect of capital adequacy on the risk-taking of banks listed on the Tehran Stock Exchange in the period 1392-1397 and based on data from 13 private banks operating in the country. For this purpose, two risk indicators including Z-score index and Merton DD index have been used. The results obtained from the estimation of the regression model using the panel data method indicate that there is a positive and significant relationship between the size and risk of banks based on the Merton DD index; the results also show that there is a positive and significant relationship between capital adequacy and banks' risk-taking based on the Z-score index.

Keywords

Capital adequacy, risk-taking, banks, ownership ownership mi

1. Master of Industrial Management, Financial Orientation, Islamic Azad University, Semnan Branch, Semnan, Iran. hocom1363@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Accounting, Islamic Azad University, Shahroud Branch, Shahroud, Iran. Mra830@yahoo.com

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی